

شرکت‌های تولیدکننده لاستیک استعمال گرفتیم که نوع لاستیک را به ما اعلام کردند. بعد از شرکت‌های خودروسازی استعمال گرفتیم که کدام خودرو از این لاستیک استفاده می‌کنند که نام چند خودرو اعلام شد. بر اساس اندازه محور خودرو، شرکت‌های خودروسازی، ام‌وی‌ام ۱۱۰ را به عنوان خودروی قاتل اعلام کردند.

با کشف این سرخ در مثلی که جسد‌ها را می‌شد، به گشت‌زنی پرداخته و تمرکز روی خودروی ام‌وی‌ام ۱۱۰ بود. از سوی دیگر ساکنان این مثلث که احتمال قتل از سوی آنها وجود داشت را هم شناسایی و احضار کردیم اما با همه اقدامات پلیسی، نتیجه‌ای به دست نیامد. ما حتی با شناسایی مثلث ارتکاب جرم توسط قاتل به عنوان کشاورز در زمین‌های کشاورزی سمت کمالشهر تا صبح کشیک دادیم تا اگر قاتل برای رها کردن جسد آمد، او را دستگیر کنیم اما این روش هم بی‌نتیجه ماند. بررسی‌ها ادامه داشت تا این که جسد پنجمین زن کشف شد. در این جنایت هم رد لاستیکی پیدا شد که از آن هم نمونه گیری کردیم و فاصله محور

را گرفتیم که همان اندازه قبلی بود و مطمئن شدیم قاتل خودرویش را عوض نکرده است.

کشف دومین سرخ

تحقیقات ادامه داشت تا این که در شاخه‌ای از تحقیقات متوجه تماس یکی از قربانیان قبل از مرگ با تلفنی شده و با ردیابی روی این تماس به زنی رسیدیم. بررسی‌ها نشان داد این زن یک دستگاه خودروی پیکان به نامش ثبت شده است. تحقیقات درباره این زن یکی از مسیرهای ما برای کشف راز قتل بود. نکته عجیبی که در جریان تحقیقات روی این شاخه با آن رو به رو شدیم، آدرسی بود که او و همسرش به نام امید در اسناد از خود ثبت کرده بودند. آنها در نشانی‌هایی که بعد مشخص شد جعلی بوده به پلاک ۵۰ اشاره کرده بودند و در تمام آنها پلاک خانه ۵۰ بود. این شک ما را قوی‌تر کرد. به دنبال آنها بودیم و در کنارش احتمالات دیگر را هم بررسی می‌کردیم.

آن زمان در پلیس آگاهی پیکانی داشتیم و با آن تردد می‌کردیم. یک روز از راننده که بعدها در پرونده‌ای دیگر به درجه شهادت نائل آمد، خواستم در جاده‌ای خاکی ماشین را روی خطی مستقیم عقب و جلو کند و بعد با متر محور پیکان را اندازه گرفتیم و تازه آنجا متوجه شدیم شرکت‌های خودروسازی چه آمار اشتباهی به ما داده بودند. اندازه محور پیکان هم ۱۴۱ سانتی‌متر بود. همان روز دستور العملی آماده کرده و به یگان‌های پلیس اعلام کردیم فقط ام‌وی‌ام مدنظر نیست و خودروی پیکان را هم در نظر داشته باشید.

فاصله یکماهه بین قتل‌ها داشت به ۱۵ روز می‌رسید و شایعات هم درباره قتل‌ها بین مردم افزایش پیدا کرده بود. یادم هست آن زمان می‌گفتند قاتل سریالی، زنان روسری زرد را به قتل می‌رساند و این باعث شد زنان از روسری زرد استفاده نکنند. برخی هم می‌گفتند، هدف قاتل برخورد با زنان بد حجاب است. با بررسی تجارب گذشته و سرخ‌هایی که

انگیزه قتل‌ها چه بود؟

درباره انگیزه‌اش در روزهای اول تحقیقات می‌گفت به دنبال انگیزه مالی بودم و قصدم سرقت بود. یادم هست روزی که قرار بود اعدامش کنند، در میدان کرج می‌گفت: این‌هایی که من طلاهایشان را بردم نمی‌خواهند رضایت بدهند. او همچنان سعی می‌کرد انگیزه را سرقت نشان دهد که این موضوع قابل قبول نبود و انگیزه اصلی‌اش آزار طعمه‌ها بود.

شخصیت امید

امید دو شاخصه داشت که به دور از یک قاتل سریالی بود. اولین شاخصه‌اش، ظاهر خیلی موجهش بود. وضعیت ظاهرش، انسان را به خطا می‌انداخت و شاید باور انجام قتل‌ها توسط او را برای یک فرد عادی سخت می‌کرد. با این که ظاهری موجه داشت اما خیلی زیرک بود. مشخصه دوم این بود که خیلی خونسرد و آرام بود. وقتی از او بازجویی می‌کردی امید زیادی به رضایت اولیای دم داشت. آن قدر آرام بود که باور قتل‌های سریالی با خشونت از سوی او سخت بود. حتی وقتی از افرادی که او را می‌شناختند تحقیق می‌کردیم، می‌گفتند بعید است او مرتکب قتل شده باشد.

طلاها را چگونه می‌فروخت؟

همان‌طور که گفتم امید فرد زیرکی بود و برای این که طلا فروشان به او مشکوک نشوند و کاغذ خرید نخواهند، سراغ طلافروش‌های مقابل یکی از بیمارستان‌های کرج می‌رفت و ادعا می‌کرد همسرش در حال وضع حمل است و این طلاها را از دستش بیرون آورده و برای هزینه بیمارستان می‌خواهد آنها را بفروشد. به خاطر چهره موجهی که داشت، کسی به او شک نمی‌کرد و طلاها را از او می‌خریدند.

نحوه شکار زنان

امید در انتخاب سوژه‌هایش در سطح شهر و در حوالی ۴۵ متری گلشهر می‌چرخید و زنانی را که در مقابل کیوسک‌های تلفن منتظر بودند یا جهت خیابان را برعکس قدم می‌زدند شناسایی می‌کرد. یکی دو دور در محل می‌چرخید و بعد نزدیک می‌شد. طعمه‌ها با گفتن مقصد سوار می‌شدند که او در طول مسیر طرح دوستی می‌ریخت و زنان را به خانه‌اش در حاشیه شهر می‌کشاند. در زمان شکار زنان، همسرش در خانه حضور نداشت. او تبحر خاصی برای فریب طعمه‌هایش داشت و اعتماد آنها را به خود جلب می‌کرد. وقتی وارد خانه می‌شدند در آنجا مرتکب تجاوز می‌شد و بعد زنان را با شال‌هایشان خفه می‌کرد.

نقاط رها کردن اجساد

امید، جسد را قبل از جمود، در ملحفه می‌گذاشت و چهار طرف را گره می‌زد مثل بسته‌های لحاف و تشک. بعد آن را داخل صندوق می‌گذاشت و در حاشیه امن شهر رها و فرار می‌کرد. دو جسد در فاصله ۱۵ متری همدیگر در خرم‌دشت در نزدیکی مرکز رهایی زباله پیدا شد.

۴۴

امید، جسد را قبل از جمود، در ملحفه می‌گذاشت و چهار طرف را گره می‌زد مثل بسته‌های لحاف و تشک. بعد آن را داخل صندوق می‌گذاشت و در حاشیه امن شهر رها و فرار می‌کرد

۴۴